

نقش تقصیر زیان دیده در جرایم رانندگی

سید احمد هاشم زاده*

چکیده

یکی از موضوعات مهم در جرایم رانندگی، بررسی نقش تقصیر زیان دیده در وقوع زیان و تأثیر آن بر مسئولیت عامل زیان است. این مقاله در صدد پاسخگویی به این است که هرگاه زیان دیده در وقوع زانی که به او وارد شده است، دخالت داشته باشد، یا مرتکب تقصیر شود و تقصیر او در وقوع زیان مؤثر باشد، این امر چه تأثیری بر مسئولیت عامل زیان دارد. آیا این امر موجب محرومیت کامل او از دریافت خسارت میگردد و یا موجب تقسیم مسئولیت شده و از میزان خسارتی که او باید دریافت کند، کاسته میشود.

واژگان کلیدی: جرایم رانندگی، تقصیر زیان دیده، مسئولیت



* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مرکز بین الملل خلیج فارس

hashemzadeh.ahmad@yahoo.com

بنا بر یک اصل کلی، هر کس موجب زیان دیگری شود مسئول جبران آنست. این اصل حقوقی مورد قبول جوامع بشری، ریشه در عدالت و امنیت اجتماعی دارد و چون مفهوم عدالت و عدالت اجتماعی در طول زمان دگرگون و متحول شده، مفهوم مسئولیت و شیوه جبران خسارتها نیز با گذشت زمان تحول یافته است. سازمان جهانی بهداشت تصادف را رویدادی می داند که از اختیار انسان بیرون است و به یاری نیرویی بیرونی که به سرعت عمل می کند، رخ می دهد و نتیجه آن زیان بدنی و روانی است. کارشناسان تصادف های رانندگی تصادف را با شدت و پیامدهای آن توصیف می کنند که شامل ضربه های روانی و بدنی است و نیاز به مراقبت های ویژه ای دارد (یعقوبی، ۱۳۷۹، ۶۰).

در حقوق رم، در فرضی که زیان دیده مرتکب تقصیر می شد، از دریافت هر نوع خسارت محروم می شد، بدون اینکه نوع و میزان دخالت او در وقوع زیان بررسی شود. در نظام قدیم کامن لا نیز این قاعده حاکم بود. اما به مرور، این قاعده در نظام های حقوقی غربی، به ویژه کامن لا تعدیل شده، است. اما در حقوق اسلام از همان ابتدا تجزیه و تقسیم مسئولیت پذیرفته شده است (کاظمی، ۱۳۹۱، ۱).

مفهوم تقصیر

مفهوم تقصیر زیان دیده معمولاً عبارتست از عدم انجام مراقبت متعارف برای حفظ سلامت یا حفظ منافع خود از اموال و حقوق، . . . تقصیر زیان دیده بدین ترتیب از جهات بسیاری با تقصیر عامل ورود زیان (به عبارتی مفهوم تقصیر بطور کلی) قابل مقایسه است. یعنی تقصیر زیان دیده نیز ممکن است عمدی یا غیر عمد باشد همچنانکه ممکن است به صورت فعل یا ترک فعل بروز کند.

ضرورت وجود تقصیر از این نکته استنباط می شود که زیان دیده همیشه به نحوی در ایجاد زیان مداخله و به آن کمک می کند. زیرا اگر زیان دیده به هنگام وقوع حادثه در مکان وقوع آن قرار نگرفته بود، خسارت به بار نمی آمد. پس این تنها تقصیر زیان دیده است که می تواند بر روی مسئولیت خوانده مؤثر واقع شود. بدین ترتیب ضروری است که رفتار زیان دیده به گونه ای باشد

که تقصیر تلقی شود. برخی بین تقصیر زیان‌دیده و تقصیر عامل ورود زیان تفاوت گذارنده اند. زیرا شرط تقصیر تلقی شدن عمل عامل زیان، خلاف قانون بودن آن است، در حالی که قانون تکلیفی بر زیان‌دیده جهت حفظ جان و مال خویش تحمیل نمی‌کند. حتی در ادبیات حقوقی نظام کامن‌لا، تقصیر (غفلت)، به صورت نقض تکلیف شخص در قبال شخص دیگر است. زمینه‌هایی از این تفکر در حقوق فرانسه نیز دریافت می‌شود، چه در حقوق این کشور گاه صحبت از تکلیف یا تعهد زیان‌دیده در قبال عامل ورود زیان است. بدین توضیح که زیان‌دیده نباید با ترک احتیاطات معمول و معقول که برای حفظ سلامت یا اموال او لازم است دیگری (عامل ورود زیان) را در معرض خطر واقع شدن تحت مسئولیت قانونی قرار دهد.

شاید برخی از نظام‌های حقوقی چاره‌ای از اینگونه تصنعها به منظور ایجاد تکلیف برای زیان‌دیده نداشته باشند، ولی در نظام حقوقی ما که ملاک تعیین تقصیر، تخلف از قانون، عرف یا اخلاق است و با توجه به نفوذ اخلاق مذهبی در جامعه ما که حفظ جان و مال را واجب گردانیده است و حتی همه احکام مسلم دینی را در موردی که جان یا مال فرد در خطر باشد (ضرر یا عسرو حرج) البته حسب نوع خطر، برداشته است، وجود چنین تکلیفی بر زیان‌دیده مسلم و تخلف از آن تقصیر محسوب است.

معیار تقصیر

بطور کلی معیار تقصیر زیان‌دیده مانند معیار تعیین تقصیر معیار نوعی است، یعنی رفتار (مراقبت و احتیاط) یک انسان متعارف در آن اوضاع و احوال. البته برخی بر این اعتقادند که چون از نظر اخلاقی بین به خطر انداختن خود و به خطر انداختن دیگری تفاوت وجود دارد و میزان مذموم بودن این دو یکسان نیست، باید برای زیان‌دیده معیار پائین‌تر و انعطاف‌پذیرتری را در نظر گرفت و حتی برخی معیار شخصی را به جای معیار نوعی پیشنهاد کرده‌اند. با این اوصاف، به نظر می‌رسد که در حقوق ایران بتوان راه حل پذیرفته شده در رویه قضایی فرانسه را ملاک عمل قرار داد. رویه قضایی این کشور سخت‌گیری خاصی در تعیین تحقق مفهوم تقصیر زیان‌دیده نشان نداده و قواعد عمومی مربوط به تقصیر را اعمال کرده است.

در حقوق ایران، به جز چند ماده قانونی که از فروع فقهی اقتباس شده است، حکم کلی قانونی وجود ندارد. بنابراین برای تعیین حکم مسأله باید به فقه اسلامی مراجعه کرد. در فقه اسلامی، این موضوع ذیل عنوان «اقدام» و در برخی از فروع مختلف فقهی که در باب دیات و موجبات ضمان وجود دارد، مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. اما در فقه اسلامی برخلاف حقوق روم (و نظام قدیم کامن لا) از همان ابتدای تاریخ فقه، تقصیر زیان دیده و دخالت او در ورود زیان به خود، لزوماً او را به طور کامل از دریافت خسارت محروم نمی کرده است. آنچه تقریباً پنجاه سال قبل نظام های حقوق غربی به آن دست یافته اند، سالها پیش در فقه اسلامی وجود داشته است.

شرایط تأثیر اقدام زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان: در نظام کامن لا و کشورهای غربی تقصیر زیان دیده، شرط تأثیر اقدام او بر مسئولیت عامل زیان است و او باید این امر را ثابت کند. لزوم این شرط را از عنوان قاعده «تقصیر مشترک (Contributory Negligence) می توان فهمید. در حقوق اسلام، صرف نظر از بحثی که در مورد مبنای مسئولیت مدنی وجود دارد و مطابق نظر قوی، تقصیر مبنای مسئولیت مدنی نیست، آنچه مسلم است، در مسئولیت ناشی از اتلاف بالمباشره، تقصیر شرط نیست. بر این اساس در صورتی که زیان دیده، بالمباشره، در ورود زیان به خود دخالت داشته باشد، مسئول زیان وارده به خود بوده و از دریافت خسارت محروم می شود. اعم از اینکه مرتکب تقصیر شده باشد یا خیر. به ویژه اگر زیان دیده مباشر و عامل زیان سبب ورود زیان باشد و سبب اقوی از مباشر نباشد، او به طور کامل از دریافت خسارت محروم می شود (ماده ۳۳۲ ق.م). در صورتی که میزان تأثیر سبب و مباشر در وقوع زیان مساوی باشد، هر دو مسئولند و در این فرض زیان دیده به میزان نصف زیان ایجاد شده، از دریافت خسارت محروم می شود. بر این اساس آنچه مسلم است، برای تأثیر اقدام زیان دیده (فعل یا ترک فعل زیان دیده که مؤثر در ورود زیان به اوست) بر مسئولیت عامل زیان، لازم نیست، این اقدام تقصیرکارانه هم باشد، مگر در موردی که اقدام او از مصادیق تسبیب باشد که در این صورت تقصیر شرط است. منطقی است که وقتی مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد، فعل زیان دیده هم در صورتی موجب معافیت از مسئولیت شود که تقصیرکارانه باشد، اما در مسئولیت غیر تقصیری، نباید تقصیر زیان دیده شرط باشد.

دخالت زیان دیده و تقصیر او در ورود زیان به او و تأثیر آن بر دعوای مسئولیت مدنی از مباحث مسئولیت مدنی است. فقه و حقوق اسلامی از ابتدا راهکارهایی در این خصوص داشته است و حقوق غرب نیز به مرور قواعدی تدوین کرده است. در شماره گذشته پیشینه تاریخی و سیر تحول تأثیر اقدام زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان و شرایط تأثیر اقدام زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره نیز بقیه مطالب مقاله و نتیجه ارائه می شود. شرط اساسی برای تأثیر اقدام زیان دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان، این است که بین اقدام او و زیان ایجاد شده، رابطه سببیت وجود داشته باشد. مبنای این شرط، همان است که در مسئولیت مدنی به معنای عام وجود دارد. زیرا شرط اساسی ایجاد مسئولیت مدنی، رابطه سببیت است و این یک قاعده عقلی و مسلم است و نیاز به استدلال ندارد. در حقوق رم برای اعمال « قاعده تقصیر مشترک » وجود رابطه سببیت شرط بود در نظام کامن لا، چه در گذشته که قاعده « تقصیر مشترک » به طور کامل زیان دیده را از دریافت خسارت محروم می کرد، چه در حال حاضر که ممکن است موجب کاهش خسارت او گردد، رابطه سببیت شرط اساسی است.

شرط دیگر که تأثیر اقدام زیان دیده، این است که، عمل او تحت تأثیر عامل زیان صورت نگرفته و ناشی از آن نباشد. به عبارت دیگر، تقصیر یا اقدام خطرناک عامل زیان موجب و محرک اقدام زیان دیده نباشد (Mazeaud, no, Baker, 1991, p.190; Padfield, Barker, 1989, p.228). هنگامی که شخصی در اثر تقصیر یا اقدام خود، دیگری را در موقعیت خطرناک قرار می دهد و او برای فرار از خطر اقدامی انجام می دهد، اما در نهایت نه تنها اقدام او موجب رهایی او از خطر نمی شود، بلکه سبب ورود زیان به او شده و ثابت می شود که اگر او اقدامی نمی کرد، زبانی واقع نمی شد، این سؤال مطرح است که آیا زیان دیده می تواند مطالبه جبران خسارت نماید یا از دریافت غرامت محروم می شود؟! این موضوع را در قالب یک فرع توضیح می دهیم. شخصی سوار اتومبیلی می شود؛ راننده اتومبیل در اثر بی احتیاطی و سرعت زیاد به گونه ای رانندگی می کند که اتومبیل از کنترل او خارج شده و هر آن، احتمال واژگونی آن وجود دارد و هر انسان متعارفی پیش بینی می کند که هر آن، ممکن است اتومبیل از جاده منحرف شده، یا به دره سقوط کند. در چنین وضعیتی سرنشین اتومبیل تصمیم می گیرد برای اجتناب از خطر واژگونی اتومبیل خود را از اتومبیل به بیرون پرت کند. او اقدام کرده و در اثر

آن پای او می شکند، بعداً اتومبیل هم متوقف شده، واژگون نمی شود و ثابت می شود که اگر سرنشین، خود را به بیرون پرت نکرده بود، هرگز پای او نمی شکست.

آیا در این فرض زیان دیده از دریافت خسارت محروم می شود، یا او می تواند تمام خسارات خود را از راننده اتومبیل مطالبه کند؟ پاسخ دوم صحیح است؛ یعنی راننده اتومبیل سبب اصلی ورود زیان به زیان دیده است. در واقع تقصیر راننده که زیان دیده را در موقعیت خطرناک قرار داده و او را وادار به آن اقدام کرده است، رابطه سببیت بین زیان واقع شده و اقدام زیان دیده را قطع می کند. این حکم در اکثر نظامهای حقوقی پذیرفته شده است. حقوق موضوعه ایران - در حقوق ایران در این خصوص نصی وجود ندارد. در دکتترین نیز این مسأله مطرح نشده است. اما با توجه به سابقه موضوع در نظام های حقوقی خارجی و فقه اسلامی، باید همین نظر را تأیید کرد. در توجیه آن باید گفت، در فرضی که اقدام زیان دیده یکی از اسباب ورود زیان تلقی می شود، چون اقدام او در آن اوضاع و احوال متعارف و معقول است، او مرتکب تقصیر نشده است؛ از سوی دیگر عامل زیان که او را در آن وضعیت خطرناک قرار داده است، مرتکب تقصیر شده است، پس او باید مسئول خسارت ایجاد شده باشد. در تأیید این حکم می توان به ماده ۳۴۶ ق.م.ا استناد کرد. این ماده مقرر می دارد: «هرگاه کسی چیز لغزنده ای را در مسیر بریزد که موجب لغزش رهگذر شود، عهده دار دیه و خسارت خواهد بود...». در فرض ماده، عمل خواننده (عامل) خلاف قانون و تقصیر است (تبصره ماده ۳۳۶ ق.م.ا) اما عمل زیان دیده، که پا روی شیء لغزنده نهاده است، تقصیر کارانه نیست. بر این اساس، اگر چه او مباشر زیان وارد بر خود، و کسی که شیء لغزنده را در راه نهاده، مسبب است اما چون مسبب مقصر است، اقوای از مباشر بوده و مسئول است.

شرط دیگر برای تأثیر اقدام زیان دیده بر مسئولیت مدنی عامل زیان، این است که عامل زیان در ایجاد زیان عمد نداشته باشد. در صورتی که عامل زیان عمداً به زیان دیده خسارت برساند، اما زیان دیده عمد نداشته باشد، حتی اگر مرتکب تقصیر شده باشد، تقصیر او هیچ تأثیری بر مسئولیت عامل زیان ندارد. این حکم در تمام نظام های حقوقی دنیا وجود دارد. در نظام کامن لا، حتی در دوره ای که «تقصیر زیان دیده» موجب محرومیت کامل از او جبران خسارت می شد، در موردی که عامل زیان در ایجاد خسارت عمد داشت، نمی توانست به تقصیر زیان دیده استناد کرده، از مسئولیت رهایی یابد (Mazeaud, 1970, v.2, no 1482, p.595). در فقه اسلامی، اگر چه به صراحت در این خصوص اظهار نظر نشده است، اما از برخی فروع می توان

استنباط کرد که از دیدگاه فقها نیز هرگاه چند سبب ظاهری در وقوع زیان دخالت داشته باشند (از جمله فرضی که یکی از اسباب خود زیان دیده است) اگر یکی از اسباب عمد داشته باشد، اگر عامد، زیان دیده باشد، از دریافت خسارت محروم می‌شود، و اگر عامل زیان عمد داشته باشد، او ضامن تمام خسارت وارد بر زیان دیده است، اگرچه زیان دیده هم مقصر باشد. در این زمینه فرع ذیل قابل توجه است: «هرگاه شخصی (پیاده یا سواره) در محلی متوقف باشد و عباری (پیاده یا سواره) با او برخورد کند، و شخص متوقف زیان ببیند، اگر عامل زیان عمداً با او برخورد کرده باشد، ضامن است؛ خواه زیان دیده در معبر عام متوقف شده باشد، یا در معبر خاص متعلق به عامل زیان؛ اما اگر عامل زیان عمد نداشته باشد، اگر زیان دیده در معبر متعلق به عامل زیان متوقف شده باشد، خود او مسئول زیان وارد بر خودش است، نه عامل زیان، و اگر در معبر عام متوقف شده باشد، عامل زیان مسئول است». از این فرع فهمیده می‌شود که در فرضی که شخص عمد دارد و دیگری عمد ندارد، مسئولیت بر عهده عامد است اگر چه دیگری تقصیر مرتکب شده باشد. همین نظر را می‌توان از کتب دیگر فقهی استنباط کرد. همین حکم در حقوق موضوعه ایران نیز پذیرفته شده است ماده ۳۳۵ قانون مدنی، در مورد تصادم بین دو کشتی یا اتومبیل یا امثال آن، مقرر می‌دارد که در صورت عمد یا مسامحه یکی از آن دو، عامد یا مقصر، مسئول زیان ایجاد شده است. همچنین از ملاک ماده ۳۳۶ ق.م.ا نیز می‌توان این حکم را استنباط کرد. در نظام‌های حقوقی غربی، در فرض مسأله، تقصیر سنگین را نیز حکم عمد دانسته‌اند، بدین معنا که اگر عامل زیان مرتکب تقصیر سنگینی شود همانند موردی است که او در ایجاد زیان عمد داشته است، بنابراین نمی‌تواند بر مبنای تقصیر زیان دیده، از مسئولیت خود بکاهد. اما در حقوق ما درجه بندی تقصیر به سبک و سنگین پذیرفته نشده است.

اثر فعل زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان، در نظام‌های حقوقی غربی، به ویژه کامن لا تحولات زیادی به خود دیده است. در این نظام، زیان دیده ای که مرتکب تقصیر می‌شد و در ایجاد زیان به خود مؤثر بود، بر مبنای قاعده «تقصیر مشترک» از دریافت هر نوع خسارت محروم می‌شد. مبنای این قاعده که از حقوق رم به نظام کامن لا راه یافته، این بود که امکان تجزیه و تقسیم مسئولیت پذیرفته نبود. به همین دلیل حتی بعدها که نظریه «آخرین فرصت» مطرح گردید، نتیجه آن تحمیل کامل زیان به عامل زیان بود و تقصیر زیان دیده نادیده گرفته می‌شد. به عبارت دیگر راه حل «یا همه یا هیچ» اجرا می‌شد. یعنی یا زیان دیده به طور کامل

جبران خسارت و یا از دریافت هر نوع غرامت محروم می‌شد. تا نیمه دوم قرن بیستم این وضعیت ادامه داشت تا اینکه نظریه «تقسیم مسئولیت» پذیرفته شد و در حقوق انگلیس قانون ۱۹۴۵ به تصویب رسید و در حقوق آمریکا نیز رویه قضایی نظریه «تقصیر مقایسه ای» (Comparative Negligence) مطرح شد.

شرط تأثیر اقدام زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان، علاوه بر رابطه سببیت، این است که عامل زیان عمد نداشته باشد و اقدام او محرک و باعث اقدام زیان دیده نباشد. اما برخلاف نظام های حقوقی غربی، در حقوق اسلام و ایران، تقصیر زیان دیده شرط تأثیر اقدام او بر مسئولیت عامل زیان نیست. در حقوق اسلام برخلاف نظام های حقوقی غربی از ابتدای تاریخ فقه، تجزیه و تقسیم مسئولیت پذیرفته شده است و «اقدام» زیان دیده در ورود زیان به خود، لزوماً او را به طور کامل از دریافت خسارت محروم نمی‌کند. بلکه در هر مورد بررسی می‌شود که آیا زیان ایجاد شده، به لحاظ عرفی، منتسب به عامل زیان، یا زیان دیده، یا هر دوی آنهاست؛ و اگر زیان ایجاد شده را منتسب به هر دو بدانند حکم به تقسیم مسئولیت بین آن نظام های غربی، پیشرو است و امری که نظام های حقوقی غربی در نیمه قرن بیستم به آن رسیده اند، در حقوق اسلام قرن ها قبل وجود داشته است (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

شرایط تحقق قاعده تقصیر زیان دیده

برای اینکه تقصیر زیان دیده قانوناً مؤثر باشد و حسب نظامهای حقوقی مختلف مطالبه تمام یا بخشی از خسارت به علت منسوب بودن آن به زیان دیده، منتفی گردد، جمع شرایطی لازم است، این شرایط را می‌توان اینگونه برشمرد: ۱. تقصیر؛ رفتار زیان دیده به گونه ای باشد که بتوان آن را تقصیر تلقی نمود. ۲. انتساب عمل به زیان دیده؛ عمل یا رفتار مؤثر در ایجاد زیان از زیان دیده و یا از کسی سرزده باشد که زیان دیده در قبال اعمال وی مسئول است. ۳. رابطه سببیت؛ بین رفتار زیان دیده و زیان وارده رابطه سببیت (عرفی) وجود داشته باشد.

خسارات متحمل در تلاش برای اجتناب یا کاهش زیان

با توجه به آنچه در قسمت الف آمد، اجماعی در میان سیستمهای حقوقی وجود دارد مبنی بر اینکه کوششهای متعارف زیان دیده برای احتراز از زیان یا کاهش آن - چنانچه منجر به زیان و

خسارت بیشتری هم شود - قطعاً تقصیر تلقی نمی‌گردد. این امر، کوششهای انجام شده برای حذر داشتن دیگری از زیان یا تقلیل خسارات وی را نیز در می‌نماید، از این قبیل دانست. در حقوق سوئیس عامل زبانی که سبب شکستن پای کسی شده است، همچنین مسئول هزینه مداوای شکستن دوباره پا است که در حین تلاشی که به توصیه پزشک برای راه رفتن انجام شده، اتفاق افتاده است. توضیح بیشتر اینکه هزینه‌های کوشش معقول و متعارف برای اجتناب از خسارات یا تقلیل آن، مطابق هیچیک از نظریه‌های مربوط به رابطه سببیت، زیان اضافی - که به علت بسیار دور بودن قابل انتساب به سبب نباشد - به حساب نمی‌آید. ضابطه معقولیت علی‌الاصول با دو شرط تحقق می‌یابد: امید به موفقیت در دفع زیان؛ تناسب اقدام اتخاذ شده با میزان و ویژگیهای زیان.

باید افزود که خسارت تحمل شده بوسیله نجات دهندگان نیز تحت شمول همین حکم (انتساب به سبب زیان و لزوم جبران توسط وی) قرار می‌گیرد. در کامن لا در گذشته گرایش بر این بود که از جبران خسارت نجات دهندگان امتناع شود، البته نه بر مبنای تقصیر بلکه بر مبنای تکلیف نداشتن عامل ورود زیان در برابر آنها؛ ولی این گرایش در آراء اخیر دگرگون شده است. در حقوق ایران نیز گرایش به تأیید همین نظر است. به این استدلال که «هیچ کس را که به قصد نیکی کردن و برای پیش‌گیری از ضرر دیگران یا جامعه اقدامی می‌کند نباید ضامن شمرده (قاعده احسان). قانون باید از کسانی که در جامعه احساس مسئولیت می‌کنند و سرنوشت خود را با دیگران مربوط می‌بینند حمایت کند. اخلاق چنین داوری می‌کند و حقوق نیز باید تحمل اینگونه زیانها را لازمه همزیستی بداند. پس، دست کم بر مبنای مسئولیت ناشی از تقصیر، نمی‌توان نیکوکار را ضامن قرار داد.»

انتساب عمل به زیان‌دیده (مسئولیت ناشی از فعل غیر)

رفتاری که تقصیر محسوب می‌شود نه تنها در صورتی که از زیان‌دیده سرزده باشد موجب مسئولیت اوست بلکه به علاوه در مواردی نیز شخص (زیان‌دیده) مسئول اعمال دیگران مثلاً خدمتکاران، خویشاوندان، مسافران و بیمه شدگان، کارگران یا کارکنان خود می‌باشد. فهرست این افراد در نظامهای حقوقی مختلف متفاوت است. در نظامهای کامن لا، قاعده عمومی عبارتست از اینکه شرکت در خطا، به عبارت دیگر، خطای مشترک شخص ثالث هنگامی به

زیان‌دیده نسبت داده می‌شود که او در مقابل دیگران به خاطر خسارات متحمل‌ه بواسطه تقصیر ثالث مسئول باشد.

به نظر می‌رسد که همین قاعده را به عنوان معیار در حقوق ما نیز می‌توان پذیرفت و اعمال نمود. بر این اساس، اعمال تقصیر آمیز کارگر به کارفرما، اعمال مأموران و نمایندگان به متصدی حمل و نقل، اعمال صغیر و مجنون به سرپرست و محافظ و اعمال کارکنان به دولت و شهرداری قابل انتساب است. در کامن لا نیز بر پایه قاعده فوق، مخدوم در صورت خطای مشترک خادم خویش در حین انجام کار مسئول است. همچنین خطای مشترک منسوب به شرکت (و نه یکی از شرکاء) به شرکای شرکت در قبال اشخاص ثالث نیز قابل انتساب است. ولی جز در برخی ایالات امریکا، پدر و مادر در نتیجه خطای مشترک فرزند و هر یک از زوجین در مورد خطای مشترک دیگری مسئول نیست مگر اینکه به موجب نظام اشتراک اموال ازدواج کرده باشند. نمایندگان و خویشاوندان کسی که در اثر خطای مشترک جان خود را از دست داده است، حسب مورد از مطالبه خسارت منع می‌شوند یا خواسته آنان کاهش می‌یابد و در این رابطه تفاوتی نمی‌کند که به نمایندگی طرح دعوی کنند یا با عنوان مستقل.

در همین فرض در حقوق فرانسه، بین دعوی که به قائم مقامی متوفی طرح می‌شود و دعوی که خویشاوندان به نام خود مطرح می‌کنند، تفاوت قائل شده بودند. در فرض اول چون خواهان به قائم مقامی طرح دعوی نموده، باید بخشی از مسئولیت را که متوجه متوفی است، تحمل کند ولی در فرض دوم موضوع اختلافی بود و برخی استدلال می‌کردند که سبب این دعوی، مستقل از سبب دعوای متعلق به متوفی است و لذا با عمل وی مخدوش و متأثر نمی‌شود.

این ادعا، از لحاظ تئوریک فقط در صورتی که خواهان وارث نباشد، تا حدی قابل توجه است و الا، با توجه به اینکه تقصیر متوفی برای خواننده علت خارجی محسوب می‌شود و در صورت رجوع وارث به وی، او نیز مطابق قاعده حق مراجعه به اموال متوفی برای دریافت بخشی از خسارت که به وی منسوب است، را دارد؛ فایده چندان بر این نحوه استدلال بار نیست. به هر حال، از لحاظ عملی این بحث تقریباً تمام است زیرا دیوان تمیز فرانسه در رأی قاطع مورخ ۱۹۶۴ خویشاوندان را حتی در موردی که به نام خود طرح دعوی می‌کنند در مقابل تقصیر

متوفی مسئول دانسته است. در حقوق ما نیز این نتیجه از ماده ۱۱۴ ق. دریایی استنباط می شود.

رابطه سببیت (رفتار زیان‌دیده سبب همه یا بخشی از زیان باشد). به طور طبیعی تقصیر زیان‌دیده در صورتی بر مسئولیت عامل ورود زیان مؤثر است که با ضرر رابطه سببیت داشته باشد. اگر تقصیر وی تنها با بخشی از زیان چنین رابطه ای داشته باشد، تنها در ارتباط با همان بخش در نظر گرفته می شود. بنابراین تقصیر باید دست کم یک شرط تحقق ضرر باشد. بدین منظور به ناچار باید ارتباط تقصیر با زیان وارده به نحوی باشد که در هر نظام حقوقی حسب نظریه سببیتی که رسماً در آن نظام پذیرفته شده است، مفهوم رابطه سببیت را تأمین نماید و با معیارهای آن منطبق باشد. در نتیجه در حقوق ایران رفتار زیان‌دیده باید سبب متعارف و عملی کل خسارت یا بخشی از خسارت به بار آمده باشد تا حسب مورد عامل ورود زیان از همه یا قسمتی از مسئولیت معاف گردد. برخی از نظامهای حقوقی در این زمینه دیدگاه ملایم و انعطاف پذیری را نسبت به زیان‌دیده انتخاب کرده اند، بر خلاف عامل ورود زیان که به منظور سبب دور تلقی کردن او، معیار سختی را اعمال می کنند.

موارد انحصار مسئولیت

مواردی وجود دارد که حتی نظامهای حقوقی معتقد به تقسیم خسارات، تنها یک طرف را مسئول جبران کل خسارت می دانند. این موارد بیشتر مبتنی بر حسن نیت، رضایت زیان‌دیده و نظم عمومی است. عمده این موارد عبارتند از: تقصیر عمدی یا سنگین؛ رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر؛ نظم عمومی، ناشی شدن تقصیر یک طرف از تقصیر دیگری؛ قاعده آخرین فرصت آشکار احتراز از زیان؛ نوعی بودن مسئولیت خوانده. چون نسبت به همه موارد فوق اختلاف نظرهایی وجود دارد، اشاره اجمالی به هر یک می تواند مفید باشد :

تقصیر عمدی یا سنگین

در مواردی که از تقصیر زیان‌دیده و عامل ورود زیان یکی عمدی و دیگری غیر عمدی است، علی الاصول مسئولیت تماماً متوجه عامد می شود. مثلاً در موردی که زیان‌دیده مرتکب تقصیر شده و در مورد حفظ فروشگاه خود بی احتیاطی کرده و سارق اشیائی را به سرقت برده است، بی

تردید باید سارق را مسئول کل خسارات تلقی نمود. در ایالات متحده در چنین مواردی به صراحت استناد به دفاع شرکت در خطر منع شده است. در حقوق ما نه تنها مطابق قاعده باید معتقد بود هر جا که عمد در اضرار پا به میدان نهد، رابطه علیت بین خطا (سبب) و ضرر را قطع می کند و زیان تنها بر عامدی تحمیل خواهد شد که مباشر در تلف به شمار می آید، بلکه از متون قانونی نیز این نکته به وضوح قابل استنباط است. مانند ماده ۳۳۱ قانون مجازات اسلامی که در قسمت آخر آن آمده است: «مگر اینکه عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت، نه فقط خسارتی به او تعلق نمی گیرد، بلکه عهده دار خسارات وارده نیز خواهد بود.»

البته در صورت عمد هر دو طرف حکم به تقسیم خسارت موجه است.

رضایت زیان دیده و پذیرش خطر

از دیگر مواردی که ممکن است مسئولیت را یکسره متوجه زیان دیده کند، رضایت زیان دیده نسبت به خطر است. این رضایت به دو صورت ممکن است جلوه کند:

الف. موردی که شخص عالمانه خود را در معرض خطرات بدنی یا اقتصادی قرار می دهد مانند بازیگران مسابقات یا کسی که سوار اتومبیل راننده مستی می شود (مثال اخیر مربوط به برخی از کشورهای کامن لوست).

ب. موردی که زیان دیده خطر حقوقی جبران خسارت را می پذیرد و به آن رضایت می دهد و بدین ترتیب طرف دیگر را (کلاً یا در یک مورد خاص) از مسئولیت معاف می سازد.

در مورد فرض اول، باید دانست که در موارد معدودی به خطر انداختن عالمانه خود، یعنی خطر اقدامی را پذیرفتن، دلیل بر پذیرش خطر به مفهوم حقوقی تلقی می شود و بر مسئولیت خواننده مؤثر است. ولی در هر حال، در همان موارد معدود که پذیرش ضرر از سوی یک فرد عاقل بالغ دارای اراده سالم قابل توجیه براساس توافق ضمنی یا اسقاط یکجانبه حقوق (از سوی زیان دیده) است، ممکن است که مانع از طرح دعوی جبران خسارت توسط وی گردد، مشروط بر اینکه مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد.

فرض دوم این همه محدود و استثنائی نیست و پذیرش حقوقی ضرر به صورت شروط عدم مسئولیت (با محدود کننده مسئولیت) مرسوم است. منتها این فرض نیز منوط به محدودیتهایی است. عمده ترین محدودیت، محدودیت نظم عمومی است که شرط عدم مسئولیت را نسبت به صدمات وارده به جسم یا حقوق مربوط به شخصیت یا تقصیر عمدی و سنگین بی اثر می سازد.

نظم عمومی

در مواردی قطع نظر از وجود یا عدم وجود هر گونه توافق صریح یا ضمنی توسط زیان دیده نسبت به تحمل خطر یا اسقاط یکجانبه حقوق، نظم عمومی مانع از هر نحوه جبران خسارت است. به عنوان مثال اگر یکی از دو سارقی که مشغول تخریب یک گاو صندوق هستند، در اثر عدم مهارت دیگری، صدمه ببیند، سارق مصدوم در برخی از نظامهای حقوقی نمی تواند از شریک خود مطالبه خسارت کند، حتی اگر به صراحت شرط عدم مسئولیت (عدم مسئولیت مبتنی بر تقصیر) را رد کرده باشد. دیدیم که در فقه نیز عمل قرض دهنده شراب یا خوک را اسقاط قرض تلقی و علیرغم بطلان معامله، امکان استرداد موضوع حرام را رد کرده اند. همچنین در شماره ۸ از همین مقاله با تفصیل بیشتری توضیح داده شد که غالب کشورهای اروپایی تحت تأثیر یک قاعده حقوق روم، مرتکب اعمال خلاف اخلاق و نظم عمومی را از استمداد و دادخواهی از دستگاه عدالت محروم می سازند. از تکرار مطالب خودداری می شود.

ناشی شدن تقصیر یکی از تقصیر دیگری

گاهی اوقات شرایطی پیش می آید که تقصیر یا خطای یک طرف تماماً ناشی از تقصیر طرف دیگر است. این فرض اصولاً در تصادفات رانندگی و در مواردی مطرح می شود که کسی برای رفع آثار خطرناک تقصیر ارتکاب یافته توسط راننده دیگر، به یک عمل اضطراری دست می زند. اگر این عمل اضطراری در عین حال محتاطانه باشد، مشکلی پیش نمی آید ولی دست کم در برخی از مواردی که اقدام اتخاذ شده معقول نیست هم باید اقدام کننده را از مسئولیت معاف کرد. زیرا او در واقع تقصیری مرتکب نشده است بلکه بواسطه تقصیر دیگری در وضع خطرناکی گرفتار گردیده و نتوانسته است بهترین راه رهایی را پیدا کند. این امر در کامن لا بر اساس نظریه معیار احتیاط را در موارد اضطراری بسیار آسان و منعطف می سازد. به همین

جهت براساس آن، در مورد کسی که به واسطه احتمال واژگونی، بطور نامعقول از اتومبیل در حال حرکت بیرون می پرد، حکم به عدم تقصیر داده شده است.

در فرانسه ممکن است کسی که بواسطه واقع شدن در موقعیت نامساعد و خطرناک، واکنش نامعقولی نشان داده است، مقصر شناخته شود ولی اگر تقصیر او تماماً نتیجه تقصیر طرف دیگر باشد، در تقصیر فرد اخیر حل شده و مرتکب تقصیر اول، مسئول جبران کل خسارت می گردد. راه حلی که در حقوق ما نیز قابل قبول است. متذکر می شود فرضی که تقصیر کسی کلاً ناشی از تقصیر دیگری باشد نادر است و غالباً در مواردی است که طرف دیگر مرتکب فریب شده باشد که بدین ترتیب تحت پوشش تقصیر عمدی قرار می گیرد.

مسئولیت نوعی عامل ورود زیان

اعتقاد بر این بود که در تعارض مسئولیت نوعی و مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به علت اصل بودن مسئولیت اخیر باید دارندهء مسئولیت نوعی را معاف گردانید. به همین جهت در فرض فوق (مسئولیت نوعی عامل و تقصیر زیاننده) عامل را از مسئولیت معاف می دانستند. با این وصف، شایسته است برای تعیین تأثیر تقصیر زیاننده در موردی که عامل ورود زیان دارای مسئولیت محض است، به مبنای این مسئولیت توجه کرد:

الف. اگر مبنای مسئولیت نوعی «نظریه تضمین» باشد، تقصیر زیاننده، مسئولیت مزبور را از میان نمی برد و حتی از آن نمی کاهد، این روشی است که در کشورهای کامن لا اتخاذ شده است.

ب. اگر مبنای مسئولیت محض، نظریه خطر یا نظریاتی که بر شرکت زیاننده در سبب تکیه دارند باشد، تقصیر زیاننده بطور طبیعی منجر به کاهش مسئولیت محض و در برخی موارد معافیت از آن می گردد. روشی که در حقوق فرانسه و آلمان بیشتر مورد توجه است.

ج. اجرای خشک و سخت تئوری تقصیر موجب می شود که تقصیر زیاننده بطور کامل مسئولیت نوعی را از بین ببرد، امری که در اسپانیا دیده می شود.

جهت توضیح شقوق فوق متذکر می شویم که در کامن لا مثلاً در حقوق استرالیا «شرکت در خطا» به عنوان یک دفاع در مسئولیتهای مبتنی بر تقصیر پذیرفته می شود ولی در مسئولیتهای نوعی (مثل مسئولیت در مورد حیوانات درنده) دفاع محسوب نمی شود .

نحوه تقسیم خسارات

معیار تقسیم

نظامهای حقوقی مختلف، در زمینه معیارهایی که برای تقسیم مسئولیت و سرانجام تقسیم خسارات به دست می دهند نیز از هم فاصله می گیرند. در این سوی طیف نظامهای حقوقی هستند که با انتخاب با انعطاف ترین ضابطه، تقسیم مسئولیت را یکسره به صلاحدید دادرس می سپرند و در آن سوی طیف نظامهای حقوقی قرار دارند که مقنن بطور کامل دخالت کرده و با معیارهای قاطع و انعطاف ناپذیر تکلیف نحوه تقسیم مسئولیت به صلاحدید دادرس؛ تقسیم مسئولیت بر اساس عدالت و انصاف؛ تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر؛ تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تأثیر و سرانجام تقسیم مسئولیت به تساوی .

تقسیم مسئولیت به صلاحدید دادرس

برخی معتقدند که تقسیم مسئولیت و خسارت باید به صلاحدید دادرس و ارزیابی آزادانه او یا هیئت منصفه واگذار شود و در عمل نیز چاره ای نیست و چنین می شود. ارزش این طرز نگرش به وضوح وابسته به سهمی است که هر نظام حقوقی به صلاحیت و اختیار قضات به عنوان یک منبع حقوق می دهد.

تقسیم مسئولیت بر اساس عدالت و انصاف

ارجاع صریح به عدالت و انصاف در قانون تقسیم خسارات انگلستان مشاهده می شود که مقرر می دارد خسارت با توجه به سهم زیاندرنده از مسئولیت «و در حدی که عادلانه و منصفانه است» کاهش می یابد. این مفهوم، حتی در فقدان چنین مقرره ای از قاعده کلی حسن نیت قابل استنباط است .

تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر

تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر معیاری است که از بیشترین مقبولیت و محبوبیت برخوردار است. در برخی از کشورها مقنن به صراحت این معیار را در نظر گرفته است و در برخی دیگر علی‌رغم سکوت مقنن، رویه قضایی آن را معیار اصلی تقسیم خسارت قرار داده است. در این رابطه می‌توان به نظام حقوقی فرانسه اشاره کرد. گرچه برخی این معیار را برای مسئولیت کیفری مناسب دانسته‌اند و نه مسئولیت مدنی، ولی تردیدی وجود ندارد که این معیار با احساس عدالت حقوقدانان عادی و طرفین دعوی سازگار است. با این همه، در مورد معنای دقیق این معیار دقیق این معیار تردید وجود دارد که آیا باید معیار نوعی را در نظر گرفت و بدین ترتیب میزان انحراف هر یک از طرفین از رفتار یک فرد متعارف در آن اوضاع و احوال و نیز جدی بودن و قابل پیش بینی بودن ضرر را ملاک قرار داد و یا باید معیار شخصی را در نظر گرفت و میزان قابل سرزنش بودن هر یک از طرفین را از لحاظ اخلاقی یا اجتماعی مدنظر داشت و یا ترکیب آن دو بهتر است.

به هر حال معیار درجه تقصیر در مواردی که یکی از طرفین بر اساس تقصیر مسئول نیست بلکه مسئولیت نوعی دارد با مشکل مواجه می‌شود و به همین جهت «مازو» تنها سنگینی یا سبکی تقصیر خود زیان‌دیده را به عنوان ملاک توصیه می‌کند. در حقوق ایران ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب دوم آبان ماه ۱۳۴۳ این معیار را پذیرفته است، منتها باید آن را ویژه خسارات دریایی دانست، در در بند ۲ ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی «نحوه مداخله» هر یک از مسئولان معیار تقسیم مسئولیت قرار داده شده است که با این معیار منطبق و یا دست کم متضمن آن است.

تقسیم مسئولیت به تساوی

معیاری است که قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۶۵ به دست داده است: «هر گاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند، بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.» این معیار قاطع است و بحثی در باره شیوه تقسیم خسارت باقی نگذاشته است.^۱

نتیجه گیری

در تصادفات رانندگی بر اساس مواد مذکور در باب اشتراک در جنایت از قانون مجازات اسلامی، معیار برای تعیین میزان مسئولیت طرفین تصادف، صرف انتساب است و چنانچه تصادف به هر دو طرف منتسب باشد هر دو به میزان مساوی مسئول پرداخت خسارت هستند و کم یا زاد بودن در صد تقصیر طرفین تاثیری در میزان مسئولیت آنها ندارد.

هر گاه تقصیر زیان دیده یا اقدام او در موردی که تقصیر شرط نیست در وقوع خسارت وارد بر او دخالت داشته باشد، این امر موجب می شود که او از جبران آن بخش از خسارت، که منتسب به تقصیر یا اقدام او بوده است، محروم شود، مشروط بر اینکه بتوان خسارت ایجاد شده را به هر دو انتساب داد، در فرضی که اقدام زیان دیده در نتیجه تقصیر عامل زیان صورت گرفته است، این امر تاثیری بر مسئولیت عامل زیان نداشته و اومسئول جبران تمام خسارت وارده بر زیان دیده است. تقسیم مسئولیت بین زیان دیده و عامل زیان به صورت تساوی است، هر چند میزان تاثیر هر کدام و نیز درجه تقصیر هر یک متفاوت باشد

»

تعهد زیان دیده به کاستن از خسارت که یک قاعده پذیرفته شده در حقوق کامن لا است. دفاعی است که از سوی خواننده دعوی مسئولیت ابراز می شود. مفهوم این قاعده این است که زیان دیده از نقض قرارداد یا فعل زیان بار خواننده، وظیفه دارد به طور متعارف از وقوع زیان جلوگیری یا از گسترش دامنه آن بکاهد. چنانچه خواننده دعوی بتواند کاهلی او را اثبات کند از پرداخت آن بخش از زیان که قابل اجتناب بوده معاف می شود. تحلیل این نهاد در حقوق ما نشان می دهد که اجرای این قاعده، از یک سو معقول و سهل است و از سوی دیگر ملاحظه قلمرو اصلی آن یعنی قراردادها آن را محال می نماید. در این مقاله سعی شده با بیان مفهوم و

¹ <http://www.lawgostar.com> جنیدی لعیا ، تقصیر زیان دیده در سایت

مبانی نظری این قاعده تحلیل شود که هرگاه کاستن از زیان در گرو انجام موضوع تعهد یا تکلیف طرف مقابل باشد، موقوف به قاعده‌ای پیشین است. این قاعده پیشین عبارت است از لزوم ایفای عین موضوع تعهد در حقوق ما و اصل پرداخت خسارت به جای ایفای عین قرارداد در حقوق کامن‌لا. به یک تعبیر، این قاعده اقتضای متعارف را در دو نظام، متفاوت می‌سازد بدون اینکه به اصل لزوم رفتار متعارف خواهان، خدش‌های وارد کند (کاشانی، بی تا، ص ۲۰-۴۰).



فهرست منابع و مآخذ

۱. یعقوبی حمید، بررسی نقش عوامل انسانی در بروز تصادفات رانندگی در ایران، روان‌شناسی و علوم تربیتی، اندیشه و رفتار «تابستان ۱۳۷۹ - شماره ۲۱ ص ۶۰
۲. کاظمی محمود، فعل زیان دیده بر مسئولیت مدنی، دیدگاه های حقوق قضایی» بهار ۱۳۹۱ - شماره ۵۷، ص ۱
۳. کاشانی محمود، اخوی سید محسن سادات، کلیف زیان دیده به کاستن از خسارت با تأکید بر حقوق انگلیس و امریکا نشریه: جامعه شناسی و علوم اجتماعی «علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز».

___ Mazeaud, no, Baker, ; 1991, p.190; Padfield, Barker, 1989.

___ (Mazeaud,1970, v.2,no 1482